

نظریه های یادگیری

فصل هشتم

تنظیم کننده مطالب از کتاب روانشناسی پرورشی نوین نوشته دکتر علی اکبر سیف: **خانم سالاری**

دانشگاه فرهنگیان واحد شهید رجایی تربت حیدریه
نیمسال دوم تحصیلی ۹۹-۹۸

نظریه یادگیری سازنده گرایی

سازنده گرایی یک اصطلاح کلی است که به دامنه وسیعی از مسائل جاری وابسته به روانشناسی ، فلسفه و آموزش مربوط می شود.

سازنده گرایی : بر نقش فعال یادگیرنده در درک و فهم و ساختن دانش تاکید کرده اند .
شانک : سازنده گرایی یک دیدگاه روانشناختی و فلسفی است که طبق آن افراد بیشتر آنچه را که یاد می گیرند و می فهمند خود می سازند و شکل می دهند .

مقایسه سازنده گرایی با خبر پردازی و رفتار گرایی:

رویکرد سازنده گرایی از لحاظ اندیشه های فلسفی و فرض های زیر بنایی هم با رویکرد رفتار گرایی و هم با برخی از نظریه های خبرپردازی متفاوت است .

تفاوت بین سازنده گرایی و خبرپردازی :

از دیدگاه سنتی خبر پردازی این جهان واقعی قابل دانستن است و به عنوان نتیجه دانش یادگیرنده می توان در نهایت آن را درست یا غلط دآوری کرد.

ویژگی دیگر خبرپردازی این است که برای یادگیری و دانش تعداد اصول کلی وجود دارند که در موقعیتهای متفاوت و در رابطه با یادگیرندگان مختلف می توان آن ها را درست تصور کرد و وظیفه پژوهشگر و نظریه پرداز کشف و شناسایی آن اصول است .

در مقابل ویژگی های بالا **مهم ترین ویژگی** سازنده گرایی این است که هیچ دانشی مطلق نیست ، بلکه همه دانش ها ساختنی و لذا نسبی اند.

برای مثال : سازنده گرایان به تاریخ اشاره می کنند بارها نشان داده است زمانی چیزی واقعیت به حساب آمده اما بعدها رد شده است.

دومین ویژگی سازنده گرایی این است که یادگیری فقط در یک متن یا زمینه معین رخ می دهد . بنابراین این تصور که یادگیری فارغ از محیطی که در آن رخ می دهد (مثلا مدرسه ، محل کار ، یا زمین بازی) اتفاق می افتد غیر واقعی و ناکامل است .

فلسفه زیربنایی نظریه های رفتاری **عینیت گرایی** است . بنا به عینیت گرایی ، دانش عینی مستقل از یادگیرنده وجود دارد و معلم می تواند این دانش را به کمک زبان به یادگیرندگان انتقال دهد.

بنا بر این فلسفه ، در جهان هستی ، اشیاء ، رویدادها ، فرآیندها وجود دارند و از ادراک همه انسانها و همه اندیشه ها یا نظریه پردازی ها در باره آنها مستقل اند. بدین معنی مستقل اند که اگر هیچ انسانی وجود نمی داشت که آنها را ادراک کند یا درباره شان بیندیشد باز هم به موجودیت خود ادامه می دادند.

در مقابل فلسفه عینیت گرایی ، فلسفه **نسبیت گرایی** وجود دارد.

نسبیت گرایان بر واقعیت روانشناختی یا اجتماعی تاکید می کنند و آن را برداشت انسان از محیط می دانند. برخلاف واقع گرایان که به واقعیت موجودیتی مستقل و خارج از ذهن می دهند، برای نسبیت گرایان واقعیت ، جنبه روانشناختی دارد و همان چیزی است که فرد ادراک می کند.

هرچیزی نسبت به چیز دیگر مورد داوری قرار می گیرد.

مثال : یک شخص نسبتاً قد بلند در جمع کسانی که از او بلند قد ترند کوتاه به نظر می رسد.

از نظر فیلسوفان عینیت گرا و روانشناسان رفتار گرا معنی در جهان هستی وجود دارد .

در حالی که از دیدگاه فیلسوفان نسبیت گرا و روانشناسان سازنده گرا معنی به جهان تحمیل می شود.

نظریه های سازنده گرایی : سازنده گرایی نظریه ها یا دیدگاههای مختلفی را شامل می شود .

۱- سازنده گرایی روانشناختی یا درون زاد :

خاستگاه اصلی سازنده گرایی روانشناختی نظریه تحول **شناختی** **پیاژه** است .

چنانچه در ارتباط با نظریه پیاژه گفتیم ، دانش از راه فرآیندهای جذب ، انطباق و سازمان ساخته می شود . این امر بصورت انفرادی رخ می دهد. از این رو به آن سازنده گرایی فردی نیز گفته شده است .

مثال : کودک خردسالی که قبلا در بیمارستان نبوده اکنون در تخت بیمارستان در بخش کودکان بستری است . پرستار بخش از محل کار خود واقع در انتهای راهرو و از طریق سیستم مخابره داخلی بیمارستان از درون بلندگوی بالای تخت کودک می گوید : سلام چلسی ، حالت چطور است ؟ چیزی لازم نداری ؟ کودک تعجب می کند و چیزی نمی گوید . پرستار بازهم حرفهایش را تکرار می کند ، اما این بار هم جوابی نمی شنود. سرانجام پرستار با تاکید می پرسد : چلسی آنجا هستی ؟ چیزی بگو! کودک با دودلی می گوید : سلام دیوار - من اینجا هستم .

این کودک با موقعیت تازه ای روبه رو شده است - یک دیوار . یک دیوار به بزرگسال شبیه است . او نباید با غریبه ها حرف بزند ، اما در ارتباط با دیوارها مطمئن نیست . او از آنچه که می داند و موقعیت برایش فراهم می کند استفاده می نماید تا معنی بسازد و طبق آن عمل کند.

مثال بالا ، یک موقعیت فرضی برای نشان دادن این است که چگونه ، طبق نظریه سازنده گرایی روانشناختی یا سازنده گرایی فردی ، دانش در فرد شکل می گیرد . در این مثال ، کودک با استفاده از دانش و باورهای فردی خود به ساختن دانش پرداخته است .

پیروان این نظریه هدف آموزش و پرورش را حمایت از نیازها و علاقه های کودکان می دانند زیرا بر این باورند که یادگیری عمدتاً یک اقدام فردی است .

بنا بر این ، روش آموزشی آنان یا گیرنده محور است . ویژگی های این آموزش عبارتند از یادگیری اکتشافی و فعالیتهای عملی ، تکالیفی که موجب می شود دانش آموزان مفاهیم و فرایندهای فکری موجود را به چالش بگیرند و فنون پرسش گری که باورهای دانش آموزان را می کاود و استفاده از امتحان ها و آزمون هایی که این باورها را تشویق می کنند.

سازنده گرای برون زاد:

این نوع سازنده گرایی بر این فرض استوار است که کسب دانش عبارت است از باز سازی جهان خارج از ذهن توسط یادگیرنده . به سخن دیگر ، طبق نظریه سازنده گرایی برون زاد ، دانش از محیط مشتق می شود . لذا یادگیرنده دانش را از راه بازنمایی ساختهای موجود در محیط می سازد .

بنابه باور پیروان سازنده گرایی برون زاد کسب دانش به طور عمده حاصل بازسازی جهان خارج از ذهن توسط یادگیرنده است . مثالی از این نوع سازنده گرایی در شکل آمده است .

در این مثال یک تصویر مبهم و کلی دیده می شود که نشان دهنده هیچ مفهوم مشخصی نیست و هرکسی آن را به گونه خاصی تفسیر می کند.

به طور خلاصه در نظریه سازنده گرایی برون زاد این باور حاکم است یک واقعیت مستقل خارج از ذهن یادگیرنده وجود دارد که برای یادگیرنده قابل دانستن است و دانش فرد حاصل درونی سازی و بازسازی این واقعیت بیرونی است .

نتیجه این فعالیت درونی سازی فرایندها و ساختهای شناختی است که بافرایندها و ساختهای موجود در جهان واقعی مطابق اند.



در این شکل چه می بینید؟

شکل ۱-۸ ساختن دانش شخصی

سازنده گرایی اجتماعی یا دیالکتیکی :

تعامل اجتماعی یا ارتباط میان افراد جامعه (به ویژه ارتباط کلامی) کلید ساختن دانش است. از این رو، به این نوع سازنده گرایی نام دیالکتیکی داده اند.

نظریه سازنده گرایی اجتماعی می گوید دانش در یک بافت اجتماعی وجود دارد و در میان افراد مشترک است لذا ابزار اصلی ساختن دانش تعامل بین یادگیرنده و محیط اجتماعی اوست. این محیط اجتماعی می تواند معلم، پدر، مادر، خواهر، برادر یا دوستان یا همکلاسی ها باشند.

مثال از این نظریه :

دقت کنید که در موقعیت اجتماعی بالا تعامل بین پدر و پسر چگونه دانش مربوط به موجودات دریایی و موارد استفاده آنها برای غذا یا زینت، ایمنی، مسئولیت نسبت به محیط، و یا حتی جغرافیا را به طور مشترک می سازد.

سازنده گرایی اجتماعی شناخته شده ترین و پذیرفته شده ترین نوع سازندگی است. هرچند که یادگیری در درون ذهن یادگیرنده صورت می پذیرد، اما حاصل تعامل اجتماعی است، و معنی از طریق ایجاد ارتباط، فعالیت و تعامل با دیگران ساخته می شود.

پسر بچه ۴ ساله ای همراه با پدرش در ساحل دریا [در کشور آمریکا] قدم می زنند و آشغالهای ساحل را جمع آوری می کنند.

پسر بچه: (در حال دویدن به سوی تعدادی بطری و قوطی خالی، داد می زنند) من برشان می دارم. پدر: اگر بطریها شکسته اند، ممکن است دستت را ببرند. بگذار من آنها را جمع کنم. (به پسر می رسد و با همدیگر آشغالها را داخل کیسه آشغال می ریزند.)

پسر: پدر، به این صدف نگاه کن. یک صدف کامل است، واقعاً بزرگ است. داخلش تماماً رنگی است. پدر: اممم، ممکن است یک صدف آبالون^۱ باشد.

پسر: صدف آبالون چیست؟

پدر: یادت میاد که دیروز در ساحل من چه چیزی داخل ساندویچم می خوردم، آن صدف آبالون است. پسر: آن را خوردی؟

پدر: آره، قسمت گروشتی که صدف خودش را با آن به صخره ها می چسباند قابل خوردن است.

پسر: ولی من نمی خوام آن را بخورم. می توانم آن را نگه دارم؟

پدر: فکر می کنم. شاید بتوانی چیزهایی در اتاقت پیدا کنی که در آن بگذاری. (در حالی که به رنگهای صدف اشاره می کند) بعضی آدمها از این صدفها جواهرات درست می کنند.

پسر: مثل گردنبند مامان؟

پدر: درست مثل آن. گردنبند مامان از نوعی آبالون با پوسته خیلی رنگی - صورتی، ارغوانی، آبی - درست شده است. وقتی آن را برگردانی رنگها عوض می شوند.

پسر: وای. برویم به دنبال صدف پائو^۲ بگردیم.

پدر: اینجا از آنها پیدا نمی شود، فقط در زلاندنو وجود دارد.

پسر: آنجا کجاست؟ شما آنجا بودید؟

پدر: نه، یک کسی گردنبند مامان را برای او هدیه آورد. اما زلاندنو را روی کره جغرافیایی نشانت می دهم. خیلی دور است. درست آن طرف دنیاست.

سازنده گرایی رادیکال :

افراطی ترین نظریه سازنده گرایی از جهت تاکید بر نقش یاد گیرنده در ساختن دانش سازنده گرایی رادیکال است . از آنجا که از این لحاظ ، در مقایسه با سایر نظریه های سازنده گرایی ، این یک نظریه نیرومند است به آن **سازنده گرایی قوی** نیز می گویند.

بنابه این نظریه ، تمامی دانش انسان حاصل ادراک است که از سازندگی مبتنی بر فعالیت هدفمند به دست می آید . در این دیدگاه ؛ بر این نکته تاکید می شد که همه دانش ها نسبی و وابسته به فردند ولذا دانش هرفردی با دانش کسان دیگر فرق دارد.

در نظریه سازنده گرایی رادیکال یا افراطی این فرض که یادگیرنده از راه یادگیری نسخه ای از جهان هستی بیرون از ذهن را در ذهن خود بازنمایی می کند پذیرفته نشده است . در واقع ، سازنده گرایان افراطی بر این باورند که خارج از جهان ذهنی فرد هیچ جهان دیگری وجود ندارد.

این دیدگاه وجود واقعیت عینی را زیر سوال می برد و می گوید تنها واقعیت موجود آن چیزی است که فرد ادراک می کند و می سازد.

با توجه به این استدلال ، درستی و نادرستی ادراکها و شناخته های افراد قابل واریسی نیست ، وگزینش از میان دیدگاههای مختلف در یادگیری امری نسبی است . هریک از ما از تجارب خود معنی می سازیم اما هیچ راهی وجود ندارد که بفهمیم کدام واقعی و کدام غیر واقعی اند.

پیروان سازنده گرایی رادیکال برای درک و فهم و دانش فرد استقلال ویژه ای قائل اند و آن را به هیچ وجه بازنمایی دنیای بیرونی نمی دانند و حتی برخی از آنان واقعیت خارج از ذهن را انکار می کنند.

آن دسته از سازنده گرایان رادیکال که به این صورت افراطی واقعیت بیرونی را منکر نمی شوند نیز بر این باورند که این واقعیت قابل شناختن نیست .

آنان استلال می کنند که تجربه ما با جهان بیرون از طریق حواس ما صورت می پذیرد، و حواس ما قادر به ارائه یک بازنمایی دقیق از جهان بیرونی نیست .

بنابر این ، هرچند که دانش از تجربه ساخته می شود ، آنچه ساخته می شود بازنمایی درستی از جهان بیرون یا واقعیت نیست .

مشکلی که در رابطه با این دیدگاه وجود دارد این است که وقتی نسبت گرایی در آن به حد افراطی می رسد ، همه دانش ها و همه باورها برابر خواهند شد ، زیرا آنها باورها و دانشهای افرادند . و این برای معلمان مشکل ساز خواهد بود زیرا معلمان دارای مسئولیت حرفه اند که به دانش آموزان بیاموزند چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است . مثلاً اینکه باید به آنان بگویند که صداقت و عدالت ارزشهای پسندیده و ریاکار و ظلم ارزشهای ناپسنداند.

کاربردهای آموزشی نظریه های سازنده گرایی :

مهم ترین نوع آموزش مبتنی بر نظریه های سازنده گرایی روش یادگیرنده محوری است . در این جا نکاتی را که استفاده از آنها در کمک به دانش آموزان مفید تشخیص داده شده است توضیح می دهیم .

۱- از فعالیتهای اصیل یادگیری استفاده کنید.

فعالتهای اصیل یا تکلیفهای اصیل آن موقعیت های یادگیری هستند که به موقعیت های زندگی واقعی خارج از آموزشگاه شبیه اند یا در گیرنده آنها هستند ، یعنی عینی و واقعی اند نه انتزاعی و نه نمادی .مثلا اگر مهارت نقشه خوانی در زمین واقعی آموخته شود از زمانی که بر روی کاغذ آموخته می شود دقیق تر و قابل استفاده تر است .

۲- محتوا و مهارتها را برای یادگیرنده مربوط و معنی دار سازید.

۳- به یادگیرندگان کمک کنید تا به صورت خود سامانگر در آیند .

یادگیرنده باید به کارکردهای شناختی اش سامان بدهد ، از دانش موجود خود معنی های تازه بسازد ، و از فرآیند ساختن دانش آگاه باشد. انجام این کار به خود سامانی یا خود نظم دهی نیازمند است .

۴- از شاگردی شناختی استفاده کنید .

منظور شاگردی شناختی این است که یادگیرندگان ، از راه درگیری با تکالیف و مسائل واقعی و اصیل ، و ضمن همکاری با افراد دارای مهارت بیشتر به یادگیری بپردازند.

شاگردی شناختی یعنی فرایند واداشتن یادگیرنده غیر ماهر در کنار یک یادگیرنده ماهر تر از او.

۵- از آموزش بالا به پایین استفاده کنید .

در روش بالا به پایین دانش آموزان از تکالیف پیچیده آغاز می کنند و پس از آن ، به کمک هدایت های معلم ، به کشف و یادگیری مراحل و جزئیات تکالیف می پردازند . مثلاً ابتدا از دانش آموزان خواسته می شود تا انشاء نوشتن را یادگیرند ، و پس از آن دیکته کلمات ، دستور زبان و علامت گذاری را می آموزند .

۶- از سنجش تکوینی استفاده کنید .

همه نظریه های سازنده گرایی بر این باور اصرار می ورزند که رسیدن به دانش و درک و فهم یک فرایند مستمر است که شدیداً تحت تاثیر دانش قبلی یادگیرنده است . بنابر این ، برای در نظر گرفتن سطح درک و فهم یادگیرنده در فرایند یادگیری و آموزش ، معلم باید مرتباً یادگیری و دانش فرد دانش آموزان را سنجش کنند . به این روش سنجش تکوینی می گویند . زیرا در آن به تکوین یا شکل گیری یادگیری دانش آموز کمک می شود .

فنون ایجاد انگیزش در یادگیرندگان:

بهترین راه ایجاد انگیزش در یادگیرندگان نسبت به یادگیری بهبود شرایط یادگیری و افزایش سطح کیفیت روشهای آموزشی است. از این طریق یادگیرندگان در یادگیری به موفقیت بیشتری می‌رسند، و این کسب موفقیت علاقه و انگیزش آنها را نسبت به یادگیری مطالب تازه افزایش می‌دهد. در زیر روشها و فنون ایجاد انگیزش در یادگیرندگان را معرفی می‌کنیم.

در تدوین این قسمت از همه نظریه‌های انگیزشی و یافته‌های پژوهشی مربوط به یادگیری و انگیزش استفاده شده است.

۱- هدفهای آموزشی خود را در آغاز درس به یادگیرندگان بگویید و از آنها بخواهید تا برای خود نیز هدفهای یادگیری انتخاب کنند.

۲- در شرایط مقتضی از تشویق‌های کلامی استفاده کنید. استفاده از اظهاراتی چون، خوب، عالی، آفرین، پس از عملکرد درست دانش‌آموز از تدابیر موثر انگیزشی است. علاوه بر اظهارات شفاهی، تشویق‌های کتبی در ورقه امتحانی و دفترچه تکلیف دانش‌آموزان در یادگیری آنان اثر مثبت دارد.

۳- از آزمون ها و نمرات به عنوان وسیله ای برای ایجاد انگیزش در یادگیرندگان استفاده کنیم .

از آنجا که نتایج آزمون ها به صورت نمره های که به یادگیرندگان داده می شوند باپاداش های مختلف ، چون تایید معلم و والدین ، ارتقاء به کلاس بالاتر، دریافت گواهی نامه ، ورود به دانشگاه ، کسب مشاغل مورد علاقه و مواردی نظیر اینها وابسته اند ، نمره های معلمان دارای ارزش انگیزشی زیادی هستند . بنا بر این معلم می تواند ، با اجرای مکرر آزمونها ، سطح انگیزشی یادگیرندگان را بالا ببرد.

۴- از خاصیت بر انگیزانندگی موضوعات مختلف استفاده کنیم و آموزش خود را با تجارب و موارد جالب همراه سازیم .

۵- مطالب آموزشی را از ساده به دشوار ارائه دهیم .

۶- از ایجاد رقابت و همچشمی در میان دانش آموزان جلوگیری کنیم .

به عنوان مثال ، برای جلوگیری از ایجاد رقابت میان دانش آموزان در بحث های کلاسی معلم می تواند در جریان بحث ، پس از گفتن نام دانش آموزی معین ، به طرح سؤال پردازد، نه اینکه ابتدا سؤال را طرح کند و بعد از کلاس بخواهد تا هر که می تواند به طور داوطلبانه به سؤال او جواب دهد.

۷- هنگام آموزش مطالب تازه از مثالهای آشنا و هنگام کاربرد مطالب آموخته شده از موقعیتهای تازه استفاده کند.

۸- علاوه بر توضیح و تشریح مطالب به طور کلامی ، تا آنجا که ممکن است از روشهای دیگر آموزشی نیز استفاده کنید و دانش آموزان را به مشارکت یادگیری تشویق نمایید.

بحث گروهی ، بازیهای آموزشی ، گزارش انفرادی و گروهی به وسیله دانش آموزان ، گزارش مطالب دروسی مانند تاریخ به صورت نمایش زنده ، و هر تدبیر دیگری که دانش آموزان را در فعالیت یادگیری شرکت دهد به مقدار زیاد انگیزه آنها را بالا می برد.

۹- پیامدهای منفی مشارکت یادگیرندگان در فعالیت یادگیری را کاهش دهید.

ازجمله عواملی که ممکن است در جریان یادگیری باعث دلسردی دانش آموزان بشود می توان موارد زیر را نام برد:

- * گرفتن نمره کم در امتحانی که معلم محتوای آن را قبلا آموزش نداده است .
- * اجبار در انجام تکالیفی که سطح دشواری آنها فراتر از توانایی یادگیرندگان است .
- * بی توجهی معلم به کوشش های یادگیرندگان .
- * مجبور ساختن یادگیرندگان به رقابت با کسانی که از آنان توانایی بیشتری دارند .
- * مجبور ساختن یادگیرندگان به ساکت و آرام نشستن در کلاس و گوش دادن به سخنرانی های خسته کننده معلم .
- * مجبور ساختن یادگیرندگان و انجام کارهای تحقیر آمیز و دور از حیثیت آنان

۱۰- به دانش آموزان مسائل و تکالیفی بدهید که نه خیلی ساده و نه خیلی دشوار باشند.

افراد دارای انگیزش پیشرفت به سراغ تکالیفی می روند که مستلزم قدری خطر کردن است . این نوع تکالیف اگر به درستی انجام پذیرند منجر به افزایش احساس اعتماد به نفس در یادگیرنده می شوند. اما تکالیف بسیار آسان به چنین احساسی نمی انجامند و تکالیف بسیار دشوار نیز غالبا به شکست و ناکامی فرد منجر می شود.

۱۱- تا آنجا که ممکن است مطالب درسی را به صورت معنی دار و در ارتباط با موقعیتهای واقعی زندگی ارائه دهید ، و در حد امکان در انجام فعالیتهای آموزشی به یادگیرندگان آزادی عمل بدهید .

انگیزه واقعی انسانها در یادگیری انگیزه درونی و خود جوش آن ها است. افراد در صدد کشف اطلاعات و درک معانی امور هستند و این موجب یادگیری آنها می شود . پس هر قدر مطالب معنی دارتر و منطقی تر جلوه کنند کنجکاوی فرد را بیشتر تحریک می نمایند.

۱۲- از مشوق های درونی و بیرونی استفاده کنید.

مشوق درونی یعنی اینکه فعالیت مورد علاقه یادگیرنده باشد. ولذا به خودی خود خاصیت انگیزشی دارد. مشوق بیرونی یعنی نمره خوب و ستایش .

پایان



چنانچه مطلبی مبهم و یا سوالی داشتید و همچنین جهت ارائه کار عملی می توانید از طریق
آیدی تلگرام به آدرس

@salarii56

با هم در ارتباط باشیم.